

فارسی تکمیلی پایه نهم

درس چهارم: هم نشین

ندیشیدنی صفحه ۵۰

۱.

* بیت « از جان طمع بریدن، آسان بود ولیکن / از دوستان جانی، مشکل توان بریدن (حافظ)» اشاره به علاقه ی شدید بین دوستان واقعی و وفادار و فداکار دارد.

* بیت « غم در دل تنگ من از آن است که نیست / یک دوست که با او غم دل بتوان گفت (رودکی)» اشاره به نداشتن حتی یک دوست واقعی دارد.

* ابیات « جامه‌ی کعبه را که می بوسند / او نه از کرم پیله نامی شد / با عزیزی نشست روزی چند / لاجرم همچو او گرامی شد (سعدی)» اشاره به تأثیر هم نشینی با دوستان خوب و نیک دارد.

* بیت « نباید که بدپیشه باشدت دوست / که هر کس چنانست شمارد که اوست (اسدی طوسی)» اشاره به لزوم پرهیز از دوستی با بدپیشگان دارد.

* بیت « از این مشتی رفیقان ریایی / بریدن بهتر است از آشنایی (ناصر خسرو)» اشاره به لزوم پرهیز از دوستی با دوستان ریاکار دارد.

* ابیات « هیچ شادی نیست اندر این جهان / برتر از دیدار روی دوستان / هیچ تلخی نیست بر دل تلخ تر / از فراق دوستان پرهیز (رودکی)» اشاره دارد به این که دیدار دوستان هنرمند، شادی آور و نشاط آفرین و دوری و فراق آن ها موجب غم و اندوه است.

* بیت « در صحبت رفیق بدآموز همچنان / کاندر کمند دشمن آهخته خنجری (سعدی)» اشاره به خطرناک بودن هم نشینی با رفیق بدآموز دارد.

* بیت « ز خود بهتری جوی و فرصت شمار / که با چون خودی گم کنی روزگار (سعدی)» اشاره به لزوم دوستی و هم نشینی با افراد بهتر از خود دارد.

* ابیات « گر نشیند فرشته ای با دیو / وحشت آموزد و خیانت و ریو / از بدان جز بدی نیاموزی / نکند گرگ پوستین دوزی (سعدی)» اشاره به لزوم پرهیز از هم نشینی با بدان دارد.

* ابیات « رقم بر خود به نادانی کشیدی / که نادان را به صحبت برگزیدی / طلب کردم ز دانایی یکی پند / مرا فرمود: با نادان مپیوند (سعدی)» اشاره به لزوم پرهیز از دوستی با نادان دارد.

* ابیات « شنیدم گوسفندی را بزرگی / رهانید از دهان و دست گرگی / شبانگه کارد در حلقش بمالید / روان گوسفند از وی بنالید / که: از چنگال گرگم در ربودی / چو دیدم عاقبت خود گرگ بودی (سعدی)» **اشاره به لزوم پرهیز از دوستی با انسان های حيله گر و مکار دارد.**

* عبارت « دشمن چو از همه حيلتي فروماند، سلسله‌ی دوستی بجنابند، وانگه به دوستی کارهایی کند که هیچ دشمن نتواند (سعدی)» **اشاره به لزوم پرهیز از دوستی با انسان های حيله گر و مکار دارد.**

* عبارت «مردی گرد کعبه طواف می کرد و می گفت: «یا رب، تو برادران من نیک گردان.» وی را گفتند: «بدین مقام شریف رسیده‌ای؛ چرا خود را دعا نکنی، که همه برادران را دعا کنی؟» گفت: «مرا برادرانند؛ چون بدیشان بازگردم، اگر ایشان را در صلاح یابم، من به صلاح ایشان صالح شوم و اگر به فسادشان یابم، من به فساد ایشان مفسد شوم. چون قاعده‌ی صلاح من صحبت مصلحان بود، من برادران خود را دعا کنم تا مقصود من و از آن ایشان بر آید.» **اشاره به تأثیر هم نشینی با دوستان خوب و درستکار دارد.**

۲. عبارت «جان بی دوست پژمرده باشد و با دوستی تازه و زنده بُود.» یادآور این جمله از کتاب فارسی وزارتتی در صفحه ۳۰ است: «مصاحبت با یک دوست خوب و شکیباً هم چون وزش نسیم دل‌انگیزی است که احساس آرامش و سبکی و صفای درون را در ما زنده می‌سازد.»

۳. بیت «دوستان به که ز وی یاد کنند / دل بی‌دوست دلی غمگین است» از پروین اعتصامی با عبارت «جان بی-دوست پژمرده باشد و با دوستی تازه و زنده بُود.» ارتباط دارد.

۴. این عبارت از داستان «شازده کوچولو» که می‌گوید: «حالا دیگر دوستم با گوسفندش از اینجا رفته است و اگر من کوشش می‌کنم که وصف او را بگویم برای این است که فراموشش نکنم. فراموش کردن دوستان، غم انگیز است.» مانند جمله‌ها و عبارات پرسش دوم و سوم بیان می‌کند که: دوستی، موجب آرامش خاطر است و فراق و جدایی از دوستان واقعی و صمیمی، موجب ناراحتی و غم و اندوه می‌شود.

جستنی صفحه ۵۳

بیت «اشعار زهد و پند بسی گفته ست / آن تیره چشم شاعر روشن بین (ناصر خسرو)» یادآور نام «رودکی» شاعر بزرگ و توانمند قرن سوم و چهارم هجری قمری (۳۲۹-۲۴۴) است. وی در روستایی از تاجیکستان امروزی به دنیا آمد و از او با نام «پدر شعر فارسی» یاد می‌کنند.

ندیشیدنی صفحه ۵۳

۱. هر چند افراد نابینا از نعمت دیدن، محروم هستند؛ اما خداوند، چشم دل آن‌ها را روشن ساخته است. آن‌ها با قدرت تفکر و احساس درونی خود می‌توانند راه را از چاه تشخیص دهند؛ پس افراد نابینا، با دلی روشن و بینا می‌توانند راه خود را بیابند و علاوه بر آن، درست را از نادرست تمیز دهند. در مورد واژه‌ی «کوردل» نیز باید

گفت که برخی از انسان ها با وجود بهره‌مندی از نعمت بینایی، قدرت تشخیص حق را از باطل ندارند؛ به همین دلیل، چنین افرادی را «کوردل» می‌نامند.

۲. از قدیم گفته‌اند: « شنیدن کی بود مانند دیدن؟ » درست است که در گفت و گوی تلفنی صدای مخاطب را به خوبی می‌شنویم؛ اما از دیدن حرکات سر و صورت و لب‌ها و به طور کلی زبان بدن او، محروم هستیم. زبان بدن در فهم کلام مخاطب بسیار اثرگذار است. در گفت و گوی تلفنی، تنها راه ارتباط با مخاطب، حس شنوایی است؛ در حالی که در گفت و گوی رو در رو علاوه بر حس شنوایی از حس بینایی نیز بهره می‌گیریم و با دیدن حرکات دست و صورت و ... بهتر می‌توانیم منظور و مقصود گوینده را در یابیم. به همین دلیل است که در گفت و گوی تلفنی برخی اوقات منظور همدیگر را به خوبی نمی‌فهمیم.

دانستنی صفحه ۵۴ «شیر» در سه معنایی که به کار می‌رود؛ **هم‌آوا** یا **هم‌نویسه** است و آرایه‌ی **جناس** بین آن‌ها وجود دارد. برای توضیحات بیشتر به فیلم آموزشی مراجعه شود.

اندیشیدنی صفحه ۵۴

شیرجه (اسم مرکب) = شیر (اسم) + جه (بن مضارع از مصدر جهیدن) است. به معنی جهش و یا پرشی مانند جهش یا پرش شیر. پرش دروازه‌بان در ورزش فوتبال و یا پرش شناگر در آب شبیه پریدن شیر برای شکار است. شیر که حیوانی شکارچی است؛ برای شکار کردن، ابتدا کمین می‌گیرد و در فرصت مناسب، پس از برداشتن خیزی بلند به سوی شکار خود، می‌جهد و آن را شکار می‌کند. به نظر می‌رسد؛ اصطلاح «شیرجه» یعنی «جهشی شبیه جهیدن شیر» که در ورزش شنا و فوتبال به کار می‌رود؛ بر اساس همین معنا باشد.